

روزم

باید کاری کرد

سرمقاله

تا کی باید برای حل مشکلات کشور چشم انتظار «حکومت» بنشینیم؟ تا کی باید در قبال اقدامات و عملکردهای مثبت و یا منفی واکنشی انفعالی داشته باشیم و در قبال عملکردها، تنها خوشحال یا ناراحت شویم؟ آیا نقش ما - یعنی گروه های مردمی - تنها محدود به حضور پای صندوق های رأی و شرکت در راهپیمایی های گوناگون است؟ آیا نقش گروه های مردمی در قبال مسائل کشور در مطالبه از قوای مختلف حکومت خلاصه می شود؟ آیا اگر بنشینیم و منتظر باشیم، مشکلات کشور به دست سیاسیون و مقامات برطرف خواهد شد؟ یا اینکه گره های کور مسائل کشور پیچیده تر و بغرنج تر خواهد گشت؟ آیا گروه های مردمی نمی توانند در عرصه های مختلف نقشی فعالانه ایفا نمایند؟ آیا گروه های مردمی برای ایفای نقش فعالانه باید چشم انتظار بنشینند تا دولت بودجه ای تصویب کند یا مجلس قانونی بگذارد یا فلان دستگاه حکومتی بخشنامه ای بفرستد؟ آیا برای جوشش باید چشم انتظار کسی نشست؟

در دورانی به سر می بریم که نهادهای بروکراتیک ناکارآمدی خود را اثبات کرده اند. فعالیت های فرهنگی نهادهای حکومتی به ویتترین سازی و بیلان کاری مبدل شده است؛ کار فرهنگی به انتقادهای تند و تیز از وضعیت حجاب تقلیل یافته است و قوانین و لوایح گرهی را نگشوده اند. فرهنگ مصرفی توسط دستگاه های حکومتی و رسانه ملی در جامعه نهادینه شده است و امواج اقتصاد سرمایه داری، حتی روستاهای این مملکت را نیز با خود به یغما برده است. سرمایه داران و قدرتمندان، خویش را به جای مردم جا زده اند و جای گروه های مردمی را در اداره کشور گرفته اند. سیاسیون و رسانه های شان، سرگرم جنگ های زرگری خویش اند و دعوای اصولگرا و اصلاح طلب، دوباره سکه ی رایج شده است. انقلابی که روزی محرومین و مستضعفین صاحبانش بودند، چند سالی است به واسطه ی سیاست های اقتصادی نئولیبرال به ملک شخصی صاحبان سرمایه و قدرت مبدل شده است و سالهای سال است که سمت و سوی کشور از اقتصاد مردمی فاصله گرفته است. جهت گیری های کشور در عرصه سیاست خارجی تحت تأثیر تندباد آمد و شد دولت ها قرار گرفته است و نقش گروه های مردمی در صدور انقلاب، به بوته ی فراموشی سپرده شده است. در سالهای اخیر، با خصوصی کردن بخش های مختلف کشور - از بهداشت و درمان گرفته تا حمل و نقل و آموزش - مردم به زائده ی سرمایه دارن و یا دولت مبدل شده اند. بیمارستان های خصوصی شمال شهر، برای مراجعان ثروتمندشان فرش قرمز پهن کرده اند و محرومان و مستضعفان در بیمارستان های فکستنی جنوب شهر، از امروز حواله فردا می شوند. شعار عدالت هشت سالی است در بسیاری موارد به ضد خود بدل شده است و شعار اعتدال، تاکنون معنایی جز دنبال کردن مطامع سیاسی نیافته است.

پس خودمان باید برای خودمان کاری کنیم!

جمهوری اسلامی و مسأله‌ای به نام مردم



یادداشت

جمهوری اسلامی ایران همانطور که از نامش پیداست، «جمهوری» است؛ یعنی یک نظام مردم مدار و مردم سالار است. پسوند «اسلامی» که بعد از جمهوری آمده است نیز بر اهمیت این مردم مداری و مردم سالاری می افزاید. چرا که بر اساس تعالیم اسلام این مردم اند که باید علم مبارزه با کفر و شرک و جهاد برای برپایی حاکمیت ... را بر دوش بکشند. بنابراین چنین حکومتی باید به تمام معنا و در جوه مختلف باید مردمی - یعنی متکی بر مردم - باشد.

انقلاب اسلامی ایران، خود اینگونه بود. از همان روزهای آغازین قیام و مبارزه تا به ثمر رسیدن نهضت، این مردم بودند که در میدان انقلاب حضور داشتند و انقلاب را به پیش بردند. این حضور مردم را به تعابیر و معانی گوناگونی می توان ترجمه کرد. امام(ره) از همان آغاز، بر خلاف بسیاری که تاکید بر مشی مسلحانه در مبارزه با رژیم مسلح شاه داشتند، تاکیدش بر حضور توده های مردم - هر چند تنها با مشت گره کرده - بود.

وجه و معنای دیگر مردمی بودن نهضت امام خمینی(ره)، حضور همه اقشار مردم در جریان انقلاب بود. به این معنا که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب طبقاتی نبود. کارگر و کارمند، بازاری و کاسب، کشاورز و صنعتگر، روحانی و دانشگاهی، بیسواد و تحصیلکرده، زن و مرد، پیر و جوان، شهری و روستایی همه در انقلاب سهم و حضور داشتند. این مسئله مهمی است. چرا که اغلب انقلاب های جهان اینگونه نبوده اند و غالب انقلاب های دنیا وابسته به منافع قشر خاصی بوده است.

نکته دیگر، عدم وجود تقسیم بندی مردم و نخبگان در انقلاب اسلامی ایران بود. در حقیقت این مردم بودند که خیلی زودتر از نخبگان - به معنای تحصیل کردگان و سیاسیون و بسیاری از روحانیون - پیام انقلاب خمینی را فهمیدند و اساسا در انقلاب جلوتر از نخبگان حرکت کردند و انقلاب را به ثمر رساندند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز حضور مردم در تداوم انقلاب ادامه یافت. در همان آغاز، این مردم بودند که با رای بالا به جمهوری اسلامی به بسیاری از دعوای و فتنه ها بر سر حکومت برآمده از انقلاب پایان دادند. نیروهای مردمی حتی پیش از آنکه امام فرمانی صادر کنند، اشارات ایشان را می گرفتند و در هر عرصه ای که احساس خلاء و نیاز می کردند، ورود کرده و در میدان حضور می یافتند. نمونه های این حضور را می توان در جهاد برای آبادانی روستاها و مبارزه با گروهک های ضد انقلاب در مناطق مختلف کشور و امثال آن یافت. تسخیر لانه جاسوسی، انقلاب فرهنگی و تشکیل نهادهای مختلف انقلابی همه پدیده هایی مردمی بودند. بار هشت سال جنگ تحمیلی را نیز مردم به دوش کشیدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ساختارهای گوناگون نظام قبل فروریخت و

طبیعتا باید ساختارهای جدید شکل می گرفت. از طرف دیگر حجم نیاز کشور بسیار عظیم بود. کشوری که به دست انقلابیون رسیده، اقتصاد فشل شده و بیماری داشت که حاصل سیاستهای نادرست رژیم بود، فقر و شکاف طبقاتی در بالاترین حد خود وجود داشت، کشاورزی کشور بر اثر اصلاحات ارضی و همینطور رونق نفتی دهه ۵۰ که منجر به واردات گسترده محصولات کشاورزی شده بود، از کار افتاده و در حال احتضار بود، وضعیت صنعت کشور که وابستگی اش به غرب موجب شده بود با پیروزی انقلاب از

حرکت بازایستد بدتر از کشاورزی بود، تأثیرات سیاستهای استعماری فرهنگی دولت گذشته در نظام آموزشی و دانشگاهی و سطح جامعه مشهود بود، بسیاری از متخصصین و اساتید دانشگاه با پیروزی انقلاب از کشور گریخته بودند و نهاد های مختلف دولتی که غالبا نیاز به تخصص و مهارت داشت - مثل صدا و سیما - به دست نیروهای انقلابی ای رسیده بود که نیروی متخصص کافی برای اداره آنها را نداشتند و علاوه بر همه ی اینها، تحریم های مختلف از جانب شرق و غرب، درگیری های نیروهای انقلابی با گروهک های معاند در مناطق گوناگون کشور، احتمال حمله نظامی و کودتاهای مختلف امریکا ساخته، تحمیل جنگ تحمیلی از جانب صدام و با حمایت امریکا و صدها مساله و مشکل دیگر، توان زیادی از نیروهای انقلابی - همان مردم - می گرفت.

این مشکلات باید دفعی و تدریجی حل می شد و برای حل این مشکلات، نیاز به توان عظیمی بود. حال که حکومت به دست مردم رسیده بود، بهترین جایی که می شد از طریق آن برای حل این مشکلات اقدام کرد، دولت بود. نتیجه منطقی آنکه انقلابیون راه حل مسائل را در ورود به دولت و به دست گرفتن ساختارهای گوناگون حکومتی دیدند و حتی جنبش دانشجویی و قابل تامل تر از آن روحانیت نیز در این زمینه به ایفای نقش پرداختند. این بود که اقتضائات دهه اول انقلاب ایجاب می کرد که دولتی بزرگ و حداکثری شکل بگیرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گذشت زمان موجب هر چه نهادمندتر شدن نهضت اسلامی می شد و این نهادمند شدن، خود به معنی ایجاد فاصله بین مردم (توده ها) و دولت (حکومت) بود. مشارکت حداکثری مردم در آغاز نهضت، بتدریج به مشارکت از طریق ایفای نقش در حکومت تجلی یافت و هر چه زمان می گذشت و نهضت نهادمندتر می شد، از حجم فعالیتهای خودجوش کاسته می شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی، روند نهادمندی و به طبع و موازی آن فاصله گرفتن عرصه رسمی از عرصه ی دولتی آغاز شد و این روند با رحلت حضرت امام خمینی(ره) و روی کار آمدن دولت جدید شدت گرفت. در دوران سازندگی، سیاست دولت بر استفاده از مهندسی و متخصص - یا به تعبیر بهتر تکنوکرات ها - بود.

لزوما این تکنوکرات ها نباید از نیروهای انقلابی

“

سیاسیون شکم سیر از بیت المال، غرق در دعوای سیاسی خویشند و مردم و مسائلشان به کلی فراموش شده. کانال های مشارکت مردم در اداره کشور در حداقلی ترین شکل ممکن، یعنی حضور در انتخابات گوناگون و راهپیمایی دیده می شود و گردانیدن چرخ سیاست، فرهنگ و اجتماع به دست توده های رنج کشیده به کلی فراموش شده است؛ سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ که باید عرصه ای برای مشارکت مردم در اقتصاد فراهم می کرد، زمینه را برای رانت خواری و ویژه خواری آفزاده ها فراهم کرده است؛

خصوصی سازی؛ مردمی کردن اقتصاد نیست!



نقد و نظر

«مردمی کردن اقتصاد» از کلیدواژه هایی است که چند سالی است به کرات از رسانه ها و از زبان برخی مسئولین شنیده می شود؛ اما آنچه از این کلیدواژه مراد می شود، بیش از آنکه «مردمی» کردن اقتصاد باشد، واگذاری گلوگاه های اقتصادی کشور به «سرمایه داران» و «باندهای قدرت و ثروت است.» مردمی که تا دیروز برای درمان بیمارانشان به بیمارستان های دولتی و بیمه های درمانی چشم امید دوخته بودند، امروز با درهای بسته ی بیمارستان ها و بخش های درمانی روبرو می شوند که به مدد پرداخت ۷۰-۸۰ میلیون تومان وارد دانشگاه شده اند و با خودروهای گران قیمت شان به فقط در مصرف هزینه شود. مدل تعاونی، اگر نگاه هزینه های کلان باز می شوند. هزینه ی یک عمل جراحی ساده گاهی به قدری سنگین است که باید همکلاسی هاشان فخر می فروشند. بانک ها و مؤسسات مالی، به مدد خصوصی از اقتصاد مردمی باشد.

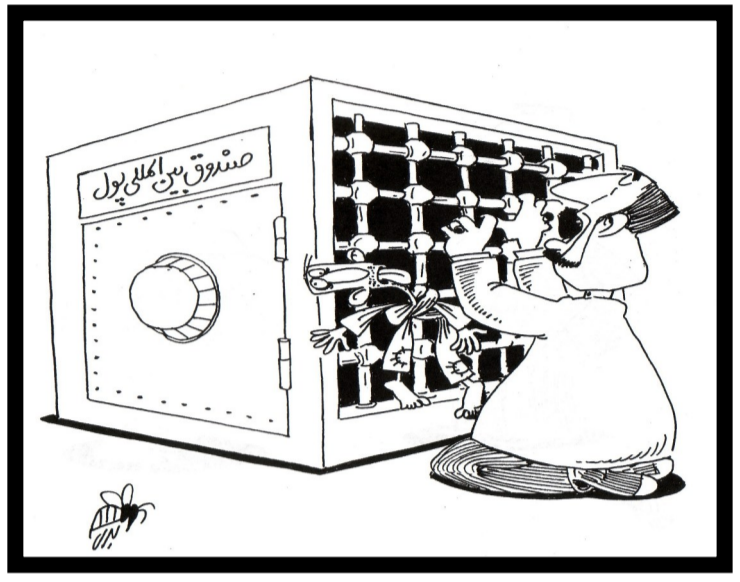
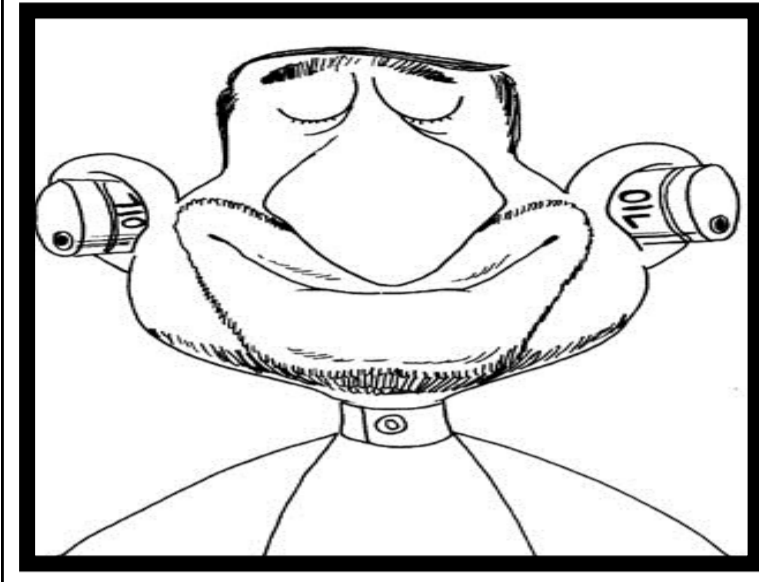
ادامه در صفحه بعد

صندوق بين المللي پول در اطلاعیه ای از بازدید گروهی از این صندوق از ایران و دیدار آنها با مقامات ایرانی در هفته های گذشته خبر داد.

در این اطلاعیه آمده است: گروهی از صندوق بین المللی پول از ۲۹ اکتبر تا ۷ نوامبر (۷ تا ۱۶ آبان) برای بررسی وضعیت پیشرفت اقتصادی ایران به تهران رفت. این بازدید فرصتی را برای دیدار با مقامات جدید ایرانی و اطلاع از برنامه های آن ها در جهت اصلاحات اقتصادی فراهم آورد.

ماموران صندوق بین المللی پول، با مقامات ارشد بانک مرکزی، دولت و همچنین با طیف گسترده ای از نمایندگان از موسسات مالی و جامعه کسب و کار دیدار کردند.

به گزارش عیار آنلاین، موضوع اعزام گروهی از سوی صندوق بین المللی پول به دیدار رئیس جمهور کشورمان با رئیس این صندوق در حاشیه اجلاس سازمان ملل در نیویورک بازمی گردد. در جلسه قرار می شود که گروهی از صندوق بین المللی پول برای بررسی وضعیت اقتصادی ایران و اثرات تحریم بر آن به ایران سفر کند. این سفر در سکوت رسانه ای انجام شد.



ادامه از صفحه قبل

می بودند و اغلب هم نبودند. لذا در بسیاری از عرصه ها نمی شد. در فضای سیاسی کشور حتی حرفی از محرومین و مستضعفین شنیده نمی شد.

طرف دیگر هاشمی رفسنجانی و تیم حاکم بر کشور در آغاز دهه دوم، بر خلاف گذشته قائل به دولت کوچک و حداقلی بودند و سیاست های خصوصی سازی و سپردن نقاط گوناگون کشور به سرمایه داران را دنبال می کردند.

به بیان ساده تر، دولت سازندگی جریان نهادمندی نهضت ملت ایران را شدت بخشید و دولت را - که در آن موقع تنها زمینه مشارکت و اثر گذاری مردم در انقلاب بود - از مردم گرفت و به تکنوکرات ها و سرمایه داران سپرد.

البته نیروهای انقلابی که منزوی شده بودند، بیکار نشستند و جریانی از فعالیتهای خودجوش فرهنگی را رقم زدند که البته به این علت که مبتنی بر تفسیری عرفانی و فرهنگی - و نه انقلابی - از اسلام بود، در همان انزوا و جدای از جریان اداره کشور به حیات خود ادامه داد.

علاوه بر این، دولت وقت دست به اقداماتی زده بود که از جمله آن می توان به ایجاد فضای سیاسی بسته ای چه در سطح جامعه و چه به طور خاص در دانشگاهها اشاره کرد. این روند در تمام دوران سازندگی دنبال شد و در نتیجه واقعه ای روی داد که برای هشت سال دیگر هم روند جدایی حکومت از مسائل حقیقی مردم را شدت بخشید.

در چنین بستر اجتماعی بود که برخی روشنفکران توانستند مسائلی چون آزادی و جامعه مدنی را به عنوان مساله اساسی به فضای جامعه القاء کنند و دولتی با این شعار و منش بر سر کار بیاید.

پس از این بود که فضای سیاسی، رسانه ای، فرهنگی و اجتماعی مملو از این دست شعارها شد و از آنطرف نیروهای حزب ...ی نیز با شدت هر چه تمام تر درگیر در این فضای سیاست زده و زمین بازی ای که محصول مساله سازی های روشنفکران بود شدند و مسائل اصلی کشور که همان محرومین و مستضعفین، گفتمان اسلام ناب محمدی، استکبار ستیزی و امثالهم بود، به کلی فراموش شد و تذکارات رهبر انقلاب هم گویی شنیده

در این سال ها، درحالی که فضای اجتماعی متأثر از جریانات فوق الذکر به سمت و سوی عدالتخواهانه رو کرده بود، فضای سیاسی همچنان جدای از این جریان ادامه حیات می داد و این فضا نیازمند ضربه ای بود تا شکسته شود و شعارهای عدالتخواهانه محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ نیروی لازم برای وارد آمدن این ضربه را فراهم کرد. این بود که در تیرماه سال ۸۴، مردم به تمام معنا به صحنه آمدند و صحنه های حضور همه جانبه ی مردم در انقلاب، یک بار دیگر تکرار شد. در حقیقت، انتخابات ۸۴ برای مردمی که سالهای سال روند جداسازی خود از عرصه اداره کشور

را سدهای عظیمی چون حماسه نهم دی که به دست مردم اتفاق افتاد و بازهم مردم جلوتر از نخبگان حافظ انقلاب شدند، نتوانست مسیر این روند را سد کند و عرصه های حضور مردم در اداره کشور همچنان محدود به راهپیمایی ها و انتخابات باقی ماند.

دانشجویان پنج شب سرد زمستانی را مقابل نهادهای مختلف مربوطه خوابیدند و این حرکتها خود راه را برای احیای گفتمان عدالت اجتماعی و حضور دوباره مردم هموار نمود.

در این سال ها، درحالی که فضای اجتماعی متأثر از جریانات فوق الذکر به سمت و سوی عدالتخواهانه رو کرده بود، فضای سیاسی همچنان جدای از این جریان ادامه حیات می داد و این فضا نیازمند ضربه ای بود تا شکسته شود و شعارهای عدالتخواهانه محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ نیروی لازم برای وارد آمدن این ضربه را فراهم کرد. این بود که در تیرماه سال ۸۴، مردم به تمام معنا به صحنه آمدند و صحنه های حضور همه جانبه ی مردم در انقلاب، یک بار دیگر تکرار شد. در حقیقت، انتخابات ۸۴ برای مردمی که سالهای سال روند جداسازی خود از عرصه اداره کشور

مدنظر رهبری را رقم زدند. امروز مردم برای جمهوری اسلامی مساله اند. اغلب سیاسیون شکم سیر از بیت المال، غرق در دعوای سیاسی خویشند و در فضای رسانه ای نیز مردم و مسائشان به کلی فراموش شده.

سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ که باید عرصه ای برای مشارکت مردم در اقتصاد فراهم می کرد، زمینه را برای رانت خواری و ویژه خواری آفازاده ها فراهم کرده است؛ نهادهای عریض و طولیل فرهنگی که بندنافشان به میادین نفت و گاز بسته شده عرصه فرهنگ را قبضه کرده و از دست مردم خارج کرده اند و از این دست مصادیق بسیار است برای گفتن.

مردم امروز مساله اند و اگر به این مساله پرداخته نشود و روندی که هست ادامه یابد، نمی توان به استمرار انقلاب امیدوار بود. پس باید کاری کرد.

راهپیمایی ها و انتخابات باقی ماند.

دانشجویان پنج شب سرد زمستانی را مقابل نهادهای مختلف مربوطه خوابیدند و این حرکتها خود راه را برای احیای گفتمان عدالت اجتماعی و حضور دوباره مردم هموار نمود.

در این سال ها، درحالی که فضای اجتماعی متأثر از جریانات فوق الذکر به سمت و سوی عدالتخواهانه رو کرده بود، فضای سیاسی همچنان جدای از این جریان ادامه حیات می داد و این فضا نیازمند ضربه ای بود تا شکسته شود و شعارهای عدالتخواهانه محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ نیروی لازم برای وارد آمدن این ضربه را فراهم کرد. این بود که در تیرماه سال ۸۴، مردم به تمام معنا به صحنه آمدند و صحنه های حضور همه جانبه ی مردم در انقلاب، یک بار دیگر تکرار شد. در حقیقت، انتخابات ۸۴ برای مردمی که سالهای سال روند جداسازی خود از عرصه اداره کشور

مدنظر رهبری را رقم زدند. امروز مردم برای جمهوری اسلامی مساله اند. اغلب سیاسیون شکم سیر از بیت المال، غرق در دعوای سیاسی خویشند و در فضای رسانه ای نیز مردم و مسائشان به کلی فراموش شده.

سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ که باید عرصه ای برای مشارکت مردم در اقتصاد فراهم می کرد، زمینه را برای رانت خواری و ویژه خواری آفازاده ها فراهم کرده است؛ نهادهای عریض و طولیل فرهنگی که بندنافشان به میادین نفت و گاز بسته شده عرصه فرهنگ را قبضه کرده و از دست مردم خارج کرده اند و از این دست مصادیق بسیار است برای گفتن.

مردم امروز مساله اند و اگر به این مساله پرداخته نشود و روندی که هست ادامه یابد، نمی توان به استمرار انقلاب امیدوار بود. پس باید کاری کرد.

کاهش ۳۰ درصدی اعتبار یارانه ها در لایحه بودجه ۹۳

دولت در لایحه بودجه سال ۹۳ کل کشور ۱۸ هزار و ۱۷۳ میلیارد تومان برای یارانه ها اعتبار پیش بینی کرد که این رقم در مقایسه با اعتبار یارانه ۲۵ هزار و ۹۲۷ میلیارد تومانی سال ۹۲ بیش از ۲۹/۹ درصد کاهش نشان می دهد.

با درخواست بخش خصوصی، قیمت بلیط قطار شناور شد

راه آهن جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد به دنبال تقاضای مکرر بخش خصوصی و مشروط به افزایش کیفیت خدمات، با شناور شدن قیمت بلیط قطار در برخی محورها موافقت شد.

وی گفت: شرکت های بخش خصوصی مسافری به دنبال افزایش هزینه تمام شده بخش عمده ای از خدمات، مکرراً درخواست افزایش قیمت بلیط را داشته اند.

موافقت ستاد کل نیروهای مسلح با کاهش سربازی متاهلان

جمشید جعفرپور، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در خصوص نتیجه طرح کاهش سه ماهه سربازی متاهلان گفته است: طبق هماهنگی با ستاد کل نیروهای مسلح در خصوص ارائه امتیاز ویژه به سربازان متأهل در راستای تشویق افزایش جمعیت، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ۳ امتیاز را برای سربازان متأهل در نظر گرفته است. اولین امتیاز این است که سربازان وظیفه متأهل حق عائله مندی کارکنان یاپور نیروهای مسلح را نیز دریافت کنند. دومین امتیاز این است که سربازان متأهل غیرغائب در محل سکونت خود یا نزدیکترین محل به محل سکونت خود خدمت کنند و سومین امتیاز نیز این است که مدت خدمت مشمولین غیرغائب متأهل از یک تا ۳ ماه کاهش یابد.

صرفاً جهت اطلاع!

اصل ۴۳ قانون اساسی

برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

۱- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت های حاکم بر برنامه ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

نشریه فرهنگی - تحلیلی قسط

صاحب امتیاز: جنبش عدالتخواه دانشجویی

مدیر مسئول و سردبیر: علی محمدزاده

تلفن های تماس:

۰۲۱ - ۸۸۹۳۸۸۲۱

۰۹۱۹۵۳۷۹۸۶۸

شماره پیامک: ۳۰۰۰۳۲۰۰۳۲

www.edalatkhahi.ir

info@edalatkhahi.ir